

توان پیش‌بینی سبک‌های فرزندپروری ادراک شده و متغیرهای جمعیت‌شناختی

بر احساس‌تنهایی دختران دانش‌آموز

*احمد لعلی فاز^۱، عباس‌علی عسکری^۲

^۱ کارشناسی ارشد و مدرس دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی فردوسی مشهد، ^۲ کارشناسی ارشد روان‌شناسی

خلاصه

مقدمه: احساس‌تنهایی، به عنوان حالتی ناخوشایند، پاسخ‌های هیجانی منفی و ناراضی‌آفرینی ادراکی فرد را در روابط اجتماعی‌اش شامل می‌شود. این تجربه نامطلوب و پریشان‌کننده می‌تواند به ناسازگاری‌های شناختی، هیجانی و رفتاری فرد در مرحله نوجوانی منجر شود. شواهد پژوهشی حاکی از وجود رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و شایستگی‌های اجتماعی کودکان و نوجوانان است. به همین دلیل، برخی از پژوهشگران، به منظور توان پیش‌بینی احساس‌تنهایی در نوجوانان، بر مطالعه سبک‌های فرزندپروری (اقتدارمنش، دیکتاتور و سهل‌گیرانه)، تأکید می‌کنند. از سوی دیگر، برخی نتایج پژوهش‌های مبتنی بر رویکرد بوم‌شناختی برآون فبیرنر نشان داده است که بافت خانوادگی (وضعیت اقتصادی-اجتماعی، تحصیلات والدین و جنسیت کودک)، در درک تحول اجتماعی و احساس‌تنهایی فرزندان حائز اهمیت است. پژوهش حاضر بر اساس مدل تعاملی، سعی در بررسی توان پیش‌بینی مولفه‌های سبک‌های فرزندپروری ادراک شده و متغیرهای جمعیت‌شناختی بر احساس‌تنهایی دانش‌آموزان دختر نوجوان دارد.

روش کار: روش پژوهش حاضر، همبستگی از نوع رگرسیون چندمتغیره گام به گام است. گروه نمونه با توجه به فرمول کرجسی و مورگان ($n=416$) نفر برآورد و به روش چند مرحله‌ای انتخاب گردید. به منظور گردآوری داده‌ها از سه پرسش‌نامه سبک‌ها و ابعاد فرزندپروری، مقیاس افتراقی‌تنهایی و پرسش‌نامه جمعیت‌شناختی استفاده گردید.

نتایج: نتایج به دست آمده بر اساس رگرسیون چندمتغیره گام به گام، نشان دهنده سه مرحله معنی‌دار در پیش‌بینی متغیر وابسته (احساس‌تنهایی) است. در اولین مرحله، بعد گرمی و حمایت‌گری از سبک فرزندپروری اقتدارمنش، بیشترین رابطه را با متغیر ملاک نشان داد ($R=0/534$). در مرحله دوم، دو مولفه سبک فرزندپروری اقتدارمنش (گرمی - حمایت‌گری و خودمختاری)، بالاترین میزان توان پیش‌بینی احساس‌تنهایی را نشان دادند ($R=0/556$ ، $F=0/000$). در مرحله آخر، سه متغیر (بعد گرمی و حمایت‌گری، بعد خودمختاری و پایگاه اقتصادی-اجتماعی) دارای بیشترین توان پیش‌بینی‌کنندگی متغیر وابسته بودند ($R=0/563$ ، $F=0/000$).

بحث: با توجه به یافته‌های به دست آمده از پژوهش حاضر می‌توان بیان داشت که سبک فرزندپروری اقتدارمنش، به ویژه دو بعد گرمی و حمایت‌گری و خودمختاری آن؛ و متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی می‌تواند میزان احساس‌تنهایی را در دانش‌آموزان دختر کاهش دهد. این نتایج بایستی در سیاست‌گذاری سازمان‌های بهداشت روانی و آموزش والدین و مشاوران بالینی مورد توجه قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: سبک فرزندپروری ادراک‌شده، احساس‌تنهایی، متغیرهای جمعیت‌شناختی

مقدمه

حجم انبوهی از پیشینه پژوهشی بر خانواده به عنوان عامل پیش‌بینی‌کننده مشکلات رفتاری کودکان و نوجوانان، تمرکز یافته است. در این میان، تربیت و فرزندپروری والدین، یکی از مهمترین عوامل تحول و پایداری مشکلات رفتاری فرزندان قلمداد می‌شود (۱، ۲).

*آدرس مؤلف مسئول: مشهد میدان آزادی - دانشگاه فردوسی -

دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی

Email: ahmad.laali@gmail.com

تاریخ تایید: ۸۶/۱۱/۲۷

تاریخ وصول: ۸۶/۸/۳

انعکاسی از پایگاه اقتصادی و بافت اجتماعی درون خانوادگی است. در این میان متغیر اقتصادی-اجتماعی و سطح درآمد خانواده، دارای بیشترین تاثیر بوده است (۸). آقامحمدیان، به نقل از لانگ و لانگ^۷ (۹) بیان می‌دارد که پژوهش‌های انجام گرفته در این زمینه، حاکی از اهمیت تاثیر برداشت و ادراک افراد از متغیرهای مورد مطالعه بر پیش‌بینی پیامدهای رفتاری، شناختی و اجتماعی آنان است.

از جمله بحران‌های مهم دوران نوجوانی که سازگاری فرد با محیط را دچار مشکل می‌کند، احساس تنهایی^۸ است. الهاگین (۱۰)، احساس تنهایی را این گونه تعریف می‌کند: تنهایی، تجربه فردی ناخوشایندی مانند تفکر فرد مبنی بر متمایز بودن از دیگران است که با مشکلات رفتاری قابل مشاهده مانند غمگینی، عصبانیت و افسردگی همراه بوده و ناهمخوانی بین توقعات و آرزوهای فرد با امکان دستیابی او به این آرزوها را در روابط اجتماعی نشان می‌دهد و به صورت رفتارهایی نظیر اجتناب از تماس با دیگران مشخص می‌گردد. فرانسوی و دیویس (۱۱)، به ارتباط منفی معنی‌داری بین احساس تنهایی در هر دو جنس و ادراک گرمی از پدران‌شان دست یافتند. لمپرز و همکاران (۱۲)، نشان دادند که شرایط سخت اقتصادی باعث بالا رفتن میزان افسردگی و احساس تنهایی در نوجوانانی می‌شوند که سبک فرزندپروری والدین خود را طرد کننده و ناهمسان ادراک کرده‌اند. کانگر و همکاران (۲)، دریافتند که شرایط سخت اقتصادی باعث پریشانی‌های هیجانی والدین می‌شود. این حالت‌های هیجانی منفی به طور مستقیم بر ظرفیت والدین برای تربیت و ارتباط با فرزندانشان تاثیر می‌گذارد و در نهایت به ایجاد مشکلات سازگاری همچون رفتار ضد اجتماعی، افسردگی، احساس تنهایی و خصومت می‌شود. نیوکمپ و همکاران (۱۳)، بیان می‌دارند که سطح مناسب بهزیستی و اقتصادی، وضعیت خوب سلامت و موفقیت تحصیلی و آموزشی کودک با حمایت و رابطه نزدیک

بامریند سبک فرزندپروری را به عنوان کارکرد کنترلی والدین معرفی می‌کند که به سبک دیکتاتوری، اقتدارمنش و سهل‌گیرانه تقسیم می‌گردد (۳). سبک فرزندپروری دیکتاتوری، با کنترل سخت، سطح بالای محدودیت، انضباط ناپایدار و خشن، میزان پایین حمایت هیجانی و گرمی مشخص می‌گردد. بر طبق پژوهش‌های انجام شده، این سبک با پیامدهای رفتاری منفی همچون پرخاشگری، اختلال‌های برون‌سازی و درون‌سازی، و کارکرد هیجانی پایین‌تر در ارتباط است (۵،۴). از سوی دیگر سبک فرزندپروری اقتدارمنش، با ترکیبی از کنترل بالا، حمایت هیجانی بیشتر، سطح مناسب استقلال، و روابط دوسویه بین والدین و کودک، شناسایی می‌شود. بر پایه پژوهش‌های انجام شده این سبک فرزندپروری با پیامدهای تحولی مثبت همچون پیشرفت تحصیلی بیشتر، اتکاء به خود بالاتر، کج رفتاری کمتر، و روابط بهتر با هم‌تایان رابطه دارد (۵) و در نهایت سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه که با فقدان کنترل والدین، و پاسخ دهی به خواسته‌های کودک مشخص می‌شود. این شیوه فرزندپروری بزهکاری، و پرخاشگری فرزندان، به دلیل فقدان نظارت و ویژگی اهمال‌کارانه والدین، ارتباط دارد (۶). در الگوهای نظری جدید از سبک‌های فرزندپروری، به ابعاد و مولفه‌های این سبک‌ها توجه ویژه‌ای گردیده است. بر طبق این پژوهش‌ها، سبک فرزندپروری اقتدارمنش شامل ابعاد گرمی و حمایت‌گری، خود تنظیمی^۱ و خود مختاری^۲ می‌باشد. سبک فرزندپروری دیکتاتوری نیز شامل سه بعد اجبار فیزیکی^۳، خصومت کلامی^۴، غیرتوضیحی-تنبیهی^۵ است. و در نهایت سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه شامل یک بعد مهم به نام بی‌توجهی^۶ است (۷).

همچنین پژوهش‌های انجام شده بر پایه نظریه بوم شناختی بروان فینبرنر، نشان دهنده آن است که سبک‌های فرزند پروری،

1. Regulation

2. Autonomy

3. Physical coercion

4. Verbal hostility

5. Non-reasoning / punitive

6. Indulgent

7. Long & Long

8. Loneliness feeling

ضریب همبستگی صفر مرتبه با متغیر ملاک وارد تحلیل می‌شود. از آن پس سایر متغیرهای پیش‌بین بر حسب ضریب همبستگی تفکیکی یا نیمه‌تفکیکی، در تحلیل وارد می‌شوند. در این روش پس از ورود هر متغیر جدید، ضریب همبستگی نیمه‌تفکیکی یا تفکیکی تمام متغیرهایی که پیشتر در معادله وارد شده‌اند، به عنوان آخرین متغیر ورودی مورد بازبینی قرار می‌گیرد و چنان چه با ورود متغیر جدید، معنی‌داری خود را از دست داده باشد، از معادله خارج می‌شود. به طور کلی، در روش گام به گام، ترتیب ورود متغیرها، در اختیار پژوهشگر نیست (۱۷). جامعه آماری در این پژوهش عبارتند از کلیه دانش‌آموزان دختر دبیرستانی پایه‌های دوم تا پیش‌دانشگاهی مشغول به تحصیل در نواحی هفتگانه آموزش و پرورش شهر مشهد و منطقه تبادل‌کن می‌باشد. حجم نمونه مورد پژوهش بر اساس فرمول کرجسی و مورگان ($n=382$) محاسبه گردید، لیکن به دلیل اجتناب از ریزش آزمودنی‌ها تعداد افراد گروه نمونه به ($n=416$) نفر در تحلیل نهایی افزایش یافت (۱۸). جهت انتخاب گروه نمونه از شیوه چندمرحله‌ای^۲ استفاده گردید.

ابزار پژوهش

الف- پرسش‌نامه سبک‌ها و ابعاد فرزند پروری (PSQD)^۳: پرسش‌نامه سبک‌ها و ابعاد فرزند پروری دارای ۳۲ سؤال می‌باشد که در مقیاس لیکرت که در طیف یک تا پنج، نمره‌گذاری می‌گردد. سؤال‌های این پرسش‌نامه برای اندازه‌گیری ۳ سبک اقتدارمنش، دیکتاتوری و سهل‌گیرانه بر پایه نظریه و سبک‌های فرزند پروری بامریند تنظیم و تدوین گردیده است. این پرسش‌نامه علاوه بر سه سبک فرزند پروری دارای ۷ بعد ارتباطی است. سبک اقتدارمنش دارای ابعاد ارتباطی، تنظیمی و خود مختاری می‌شود. در این پرسش‌نامه سبک دیکتاتوری شامل سه بعد است، بعد اجباری فیزیکی، خصومت کلامی و بعد غیر توضیحی-تنبیهی. سرانجام سبک سهل‌گیرانه دارای یک بعد یعنی بعد ارتباطی بی‌توجهی می‌شود. پایایی و روایی^۴ پرسش‌نامه سبک‌ها و ابعاد فرزند پروری رایشسون و همکاران (۷)

هیجانی والدین با کودک در خانواده‌های اقتدارمنش در ارتباط است. گالامبوس و همکاران (۱۴)، دریافتند که والدین اقتدارمنش در سازگاری نوجوانان خود نقش موثرتری را ایفا می‌کنند.

در این میان وجود رابطه دوسویه، نقش به‌سزایی را در سازگاری نوجوان ایفا می‌کند. دهقانی (۱۵) بیان می‌دارد که ابعاد محبت و تنظیمی از سبک فرزندپروری اقتدارمنش، رابطه مثبت و قوی با میزان خود تنظیمی دانش‌آموزان دختر و پسر دوره متوسطه دارد. رضایی (۱۶) در پژوهش خود نشان داد که بین شیوه‌ی فرزندپروری دیکتاتوری و سهل‌گیرانه با بلوغ اجتماعی دانش‌آموزان رابطه وجود نداشت در حالی که بین سبک فرزندپروری اقتدارمنش و بلوغ اجتماعی آنان رابطه مثبت معنی‌دار وجود داشت. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام، متغیر سبک اقتدارمنش را به عنوان بهترین مدل پردازش شده برای پیش‌بینی بلوغ اجتماعی معرفی نمود. از آن جایی که در پژوهش‌های پیشین، ادراک از سبک‌های فرزندپروری و مولفه‌های آن به همراه خصیصه‌های جمعیت شناختی و تاثیر آن بر سازگاری اجتماعی نوجوانان، به ویژه احساس تنهایی، کمتر مورد توجه بوده است. بنابراین هدف پژوهش حاضر، بررسی توان پیش‌بینی ادراک از سبک‌های فرزند پروری و متغیرهای جمعیت شناختی بر احساس تنهایی نوجوانان دختر دوره دبیرستانی می‌باشد. علاوه بر این با بررسی تعاملی متغیرهای فوق مشخص گردد کدام یک از آن‌ها توان پیش‌بینی کنندگی بهتری برای خصیصه منفی احساس تنهایی نوجوانان دارد.

روش کار

روش پژوهش حاضر از نوع همبستگی و مدل رگرسیون چندگانه گام به گام^۱ می‌باشد. چنان چه هدف پیش‌بینی یک متغیر ملاک از چند متغیر پیش‌بینی باشد، از این مدل استفاده می‌گردد. در تحقیقات رگرسیون چندگانه، هدف پیدا کردن متغیرهای پیش‌بینی است که تغییرات متغیر ملاک را به تنهایی و یا به طور مشترک پیش‌بینی کند. در روش تحلیل رگرسیون چندگانه گام به گام، اولین متغیر پیش‌بین بر اساس بالاترین

². Multi-stage

³. Parenting Style and Dimensions Questionnaire

⁴. Reliability & validity

¹. Stepwise multiple regression

در اختیار آزمودنی ها قرار گرفت. پیش از شروع پاسخ دهی به آزمودنی ها گفته شد که اطلاعات آنان کاملاً محرمانه بوده و نتایج صرفاً جهت اهداف پژوهشی مورد استفاده قرار می گیرد و در ضمن از ذکر نام و نام خانوادگی نیز خودداری گردد. در انتها پس از جمع آوری داده ها، تجزیه و تحلیل آماری از طریق نرم افزار SPSS، نسخه ۱۵ انجام شد.

نتایج

به منظور بررسی فرضیه پژوهش از روش آماری رگرسیون چند متغیره گام به گام استفاده گردید. در این روش متغیرهای جمعیت شناختی (مانند میزان تحصیلات پدر و مادر، پایگاه اقتصادی-اجتماعی)، همراه با مولفه های ادراک از سبک های فرزند پروری (مانند بعد گرمی و حمایتی، بعد خود تنظیمی، بعد خودمختاری، بعد اجبار فیزیکی، بعد خصومت کلامی، بعد غیرتوضیحی- تنبیهی و بعد بی توجهی)، به عنوان متغیرهای مستقل؛ و احساس تنهایی به عنوان متغیر ملاک (وابسته) در رویکردی تعاملی مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج به دست آمده در جداول شماره (۱ و ۲ و ۳) ارائه گردیده است.

جدول ۱- جدول ضرایب همبستگی و مجذور ضرایب همبستگی چندگانه در هر مرحله

مدل	ضریب همبستگی	مجدور ضریب	مجدور خطای رگرسیون
مرحله ۱*	۰/۵۳۴*	۰/۲۸۵	۲/۷۱
مرحله ۲**	۰/۵۵۶**	۰/۳۰۹	۲/۶۶
مرحله ۳***	۰/۵۶۳***	۰/۳۱۷	۲/۶۵

* متغیر پیش بینی کننده: بعد گرمی و حمایتی سبک اقتدارمنش

** متغیر پیش بینی کننده: بعد گرمی و حمایتی سبک اقتدارمنش، بعد خودمختاری سبک اقتدارمنش

*** متغیر پیش بینی کننده: بعد گرمی و حمایتی سبک اقتدارمنش، بعد خودمختاری سبک اقتدارمنش، و پایگاه اقتصادی-اجتماعی متغیر وابسته:

احساس تنهایی

بر اساس گروه نمونه متشکل از (n=۱۳۷۷) ضرایب پایایی زیر را بر اساس آلفای کرونباخ در ارتباط با پرسش نامه سبک ها و ابعاد فرزند پروری گزارش کرده اند: در ارتباط با بعد اقتدارمنش $\alpha = 0/86$ ، بعد دیکتاتوری $\alpha = 0/82$ و بعد سهل گیرانه $\alpha = 0/64$ بوده است. روایی سازه آزمون بر اساس تحلیل عوامل، مورد بررسی قرار گرفته است (۷). پژوهشگران مزبور بر اساس تحلیل عاملی توانسته اند سه عامل و ۷ بعد ارتباطی ذکر شده در آزمون را مورد شناسایی قرار دهند.

ب- مقیاس احساس افتراقی تنهایی: مقیاس افتراقی تنهایی از ۱۵ سؤال تشکیل شده است که به صورت صحیح-غلط پاسخ داده می شود. این مقیاس نیز دارای سه بعد می باشد، بعد خانواده^۲، گروه های بزرگتر^۳ و بعد دوستان^۴. در صورتی که سؤالها به صورت صحیح پاسخ داده شوند، نمره یک دریافت می کنند. مجموع نمره های فرد، میزان تنهایی وی را مشخص می سازد. اشمیت و سرمات (۱۹) ضریب همسانی درون مقیاس را در نسخه آلمانی ۰/۹۱ گزارش کرده اند. مک ویرتر (۲۰)، در پژوهش پایایی مقیاس را ۰/۸۲ گزارش نموده است. در پژوهش حاضر ضریب همسانی درونی مقیاس بر پایه گروه نمونه (n=۴۱۶) برابر با $I_{tt} = 0/87$ بوده است، این ضرایب به ترتیب برای ابعاد خانواده، گروه های بزرگتر و بعد دوستان برابر با ۰/۸۶، ۰/۸۲ و ۰/۸۴ بوده است.

ج- پرسش نامه متغیرهای جمعیت شناختی: در پژوهش حاضر با استفاده از پرسش نامه جمعیت شناختی، متغیرهای میزان تحصیلات والدین و ادراک از وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده، در سه طیف پایین، متوسط و بالا، مورد بررسی قرار گرفت.

روش گردآوری داده ها: پژوهشگران با مراجعه مستقیم به مدارس انتخاب شده، پرسش نامه های ادراک از سبک فرزند پروری، احساس تنهایی و متغیرهای جمعیت شناختی

2. Construct validity

2. Family

3. Large group

4. Friends

جدول ۲- جدول تحلیل واریانس هر مرحله از رگرسیون چند گانه گام به گام

مدل رگرسیون	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	نسبت F	احتمال F
مرحله ۱*	رگرسیون	۱	۱۲۱۱/۷۷	۱۶۴/۹۵	۰/۰۰۰
	باقیمانده	۴۱۴	۷/۳۴		
	کل	۴۱۵	۴۲۵۳/۱۳		
مرحله ۲**	رگرسیون	۲	۶۵۷/۸۲	۹۲/۴۸	۰/۰۰۰
	باقیمانده	۴۱۳	۷/۱۱		
	کل	۴۱۵	۴۲۵۳/۱۳		
مرحله ۳***	رگرسیون	۳	۴۴۹/۷۲	۶۳/۸	۰/۰۰۰
	باقیمانده	۴۱۲	۷/۰۴		
	کل	۴۱۵	۴۲۵۳/۱۳		

* متغیر پیش‌بینی کننده: بعد گرمی و حمایتی سبک اقتدارمنش** متغیر پیش‌بینی کننده: بعد گرمی و حمایتی سبک اقتدارمنش، بعد خودمختاری سبک اقتدارمنش

*** متغیر پیش‌بینی کننده: بعد گرمی و حمایتی سبک اقتدارمنش، بعد خودمختاری سبک اقتدارمنش، و پایگاه اقتصادی-اجتماعی متغیر وابسته: احساس تنهایی

نتایج جدول (۱) و (۲)، نشان‌دهنده توانایی پیش‌بینی‌کنندگی بیشتر بعد گرمی و حمایتی از سبک فرزندپروری اقتدارمنش، در بین تمامی متغیرهای مستقل می‌باشد. با توجه به داده‌های مرحله یک، می‌توان بیان داشت که ضریب همبستگی چند گانه ($R=0/534$) و مجذور ضریب همبستگی چند گانه ($R^2=0/285$)، در سطح $F=0/000$ ، دارای معنی‌داری آماری است. به بیانی دیگر مولفه گرمی و حمایتی سبک اقتدارمنش دارای $0/28$ درصد واریانس مشترک با متغیر ملاک (احساس تنهایی) است و در واقع می‌تواند $0/53$ درصد از میزان احساس تنهایی را در بین نوجوانان دختر دانش‌آموز مورد پژوهش را تبیین کند. به طور کلی در مقایسه سه مرحله بایستی بیان داشت که میزان واریانس مشترک متغیر مستقل با متغیر ملاک، فقط تفاوتی $0/03$ درصدی را از مرحله اول تا سوم نشان می‌دهد و در واقع بیشترین میزان تبیین و پیش‌بینی احساس تنهایی مربوط به بعد گرمی و حمایتی سبک فرزندپروری اقتدارمنش است.

نتایج جدول (۳) با توجه به ضرایب بتا و میزان t ، حاکی از وجود رابطه منفی معنی‌دار هر سه متغیر بعد گرمی و حمایتی، بعد خودمختاری و پایگاه اقتصادی-اجتماعی با احساس تنهایی است. به بیانی دیگر، بهبود و تعدیل در سه متغیر فوق، سبب کاهش میزان احساس تنهایی دانش‌آموزان دختر می‌شود. در این میان بالاترین میزان تاثیرگذاری را بعد گرمی و حمایتی از سبک فرزندپروری اقتدارمنش و کمترین سهم تاثیر را متغیر

نتایج جدول (۱) و (۲)، نشان‌دهنده توانایی پیش‌بینی‌کنندگی بیشتر بعد گرمی و حمایتی از سبک فرزندپروری اقتدارمنش، در بین تمامی متغیرهای مستقل می‌باشد. با توجه به داده‌های مرحله یک، می‌توان بیان داشت که ضریب همبستگی چند گانه ($R=0/534$) و مجذور ضریب همبستگی چند گانه ($R^2=0/285$)، در سطح $F=0/000$ ، دارای معنی‌داری آماری است. به بیانی دیگر مولفه گرمی و حمایتی سبک اقتدارمنش دارای $0/28$ درصد واریانس مشترک با متغیر ملاک (احساس تنهایی) است و در واقع می‌تواند $0/53$ درصد از میزان احساس تنهایی را در بین نوجوانان دختر دانش‌آموز، تبیین یا پیش‌بینی کند. نتایج مرحله دوم، حاکی از معنی‌داری ($F=0/000$) ضریب همبستگی چند گانه ($R=0/556$) و مجذور ضریب همبستگی چند گانه ($R^2=0/309$) است. به عبارت دیگر مجموع بعد گرمی و حمایتی و بعد خودمختاری از سبک اقتدارمنش دارای $0/31$ درصد واریانس مشترک با متغیر وابسته می‌باشند و قابلیت پیش‌بینی $0/57$ درصد از میزان احساس تنهایی را در بین نوجوانان دختر دارا هستند. در نهایت نتایج به دست آمده در مرحله سوم این روش، نشان‌دهنده معنی‌داری ضریب همبستگی چند گانه ($R=0/563$) و مجذور ضریب همبستگی چند گانه

پایگاه اقتصادی- اجتماعی به خود اختصاص داده است. در مجموع، سه متغیر فوق در میان کلیه متغیرها، دارای بیشترین توان پیش بینی کنندگی معنی دار برای متغیر ملاک (احساس تنهایی) می باشد.

جدول ۳- جدول ضرایب رگرسیون چند گانه در هر مرحله

احتمال t	t	ضرایب استاندارد		مدل رگرسیون
		Beta	Std. Error	
۰/۰۰۰	۲۲/۲۷		۰/۴۵۵	مرحله ۱* متغیر ثابت (وابسته)
۰/۰۰۰	-۱۲/۸۴	-۰/۵۳۴	۰/۰۲۵	بعد گرمی و حمایتی
۰/۰۰۰	۲۲/۸		۰/۴۶۶	مرحله ۲** متغیر ثابت (وابسته)
۰/۰۰۰	-۵/۶۶	-۰/۳۵۳	۰/۰۳۸	بعد گرمی و حمایتی
۰/۰۰۰	-۳/۸۲	-۰/۲۳۹	۰/۰۳۸	بعد خودمختاری
۰/۰۰۰	۱۵/۵۱		۰/۷۷۲	مرحله ۳*** متغیر ثابت (وابسته)
۰/۰۰۰	-۵/۶۴	-۰/۳۵۱	۰/۰۳۷	بعد گرمی و حمایتی
۰/۰۰۰	-۳/۷	-۰/۲۳۱	۰/۰۳۸	بعد خودمختاری
۰/۰۳۰	-۲/۱۸	-۰/۰۸۹	۰/۳۱۱	پایگاه اقتصادی- اجتماعی

* متغیر پیش بینی کننده: بعد گرمی و حمایتی سبک اقتدارمنش** متغیر پیش بینی کننده: بعد گرمی و حمایتی سبک اقتدارمنش، بعد خودمختاری سبک اقتدارمنش
*** متغیر پیش بینی کننده: بعد گرمی و حمایتی سبک اقتدارمنش، بعد خودمختاری سبک اقتدارمنش، و پایگاه اقتصادی- اجتماعی متغیر وابسته: احساس تنهایی

بحث

با کودک از یک سو و پاسخگو بودن والدین با شایستگی های اجتماعی و اعتماد به نفس نوجوانان رابطه دارد، که در نهایت می تواند به کاهش مشکلات رفتار برون سازی آنان منجر گردد. به طور کلی می توان بیان داشت که پاسخگو بودن والدین، برقراری روابط صمیمانه و گرم با فرزندان و حمایت مناسب می تواند به ایجاد رابطه متقابل با والدین و افزایش اعتماد به نفس آنان در روابط اجتماعی منجر شود و در نهایت احساس تنهایی را به طور موثری کاهش دهد.

بعد خودمختاری از سبک فرزند پروری اقتدارمنش نیز دومین مولفه معنی دار در پیش بینی احساس تنهایی می باشد (به جداول ۱ و ۲ رجوع شود). این مولفه، خصیصه هایی همچون اجازه ابراز نظر به فرزندان به صورت آزادانه، احترام به عقاید آنان، در نظر گرفتن خواسته های آنان، و همچنین مشارکت دهی در تدوین قواعد خانوادگی را شامل می شود. نتایج این بخش، با پژوهش های اشتاینبرگ و همکاران (۵)، گالامبوس و همکاران (۱۴)، که بر وجود رابطه دوسویه به عنوان ویژگی اساسی سبک فرزند پروری اقتدارمنش و ارتباط آن با سازگاری اجتماعی نوجوانان تاکید می کنند، همخوانی دارد.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که از میان کلیه متغیرهای مورد مطالعه، سه متغیر بعد گرمی- حمایت گری و بعد خودمختاری از سبک فرزند پروری اقتدارمنش، متغیر ادراک از پایگاه اقتصادی- اجتماعی، مهمترین متغیرهای تاثیر گذار بر احساس تنهایی نوجوانان دختر می باشد. بعد گرمی و حمایتی به ویژگی هایی نظیر پاسخگو بودن والدین، برقراری روابط گرم و صمیمانه با فرزندان، و تشویق آنان به صحبت در مورد مشکلاتشان اختصاص دارد. نتایج نشان داد که افزایش میزان گرمی و حمایت گری می تواند با کاهش احساس تنهایی همراه باشد. نتایج این بخش با کلیه پژوهش هایی که نشان دادند سبک اقتدارمنش می تواند به کاهش معنی دار اختلالات رفتاری در نوجوانان منجر شود (۵، ۱۱، ۱۵، ۱۶، ۲۱)، هماهنگی دارد. برای مثال اشتاینبرگ و همکاران (۵)، بیان می دارند که سبک فرزند پروری اقتدارمنش با اتکاء به خود بالاتر، کج رفتاری کمتر، و روابط بهتر با همتایان رابطه دارد. فرانسوی و دیویس (۱۱)، در پژوهشی بیان می دارند که ارتباط معنی داری بین احساس تنهایی در هر دو جنس و ادراک از گرمی و حمایت گری والدین وجود دارد. تحقیقات اشتاینبرگ (۲۱) نشان می دهد که حمایت در رابطه نزدیک هیجانی والدین

پایگاه اقتصادی-اجتماعی می‌تواند نحوه به کارگیری شیوه‌های تربیتی والدین را تحت تاثیر قرار دهد. کیگام-ایمون و مالدر (۸) در پژوهش خود نشان دادند که بین سطح درآمد و مشکلات رفتاری فرزندان رابطه منفی معنی‌دار وجود داشته است.

به طور کلی بایستی بیان داشت که متغیر ادراک از پایگاه اقتصادی-اجتماعی با توجه به رویکرد بوم شناختی، می‌تواند سبک‌ها و شیوه‌های خاص فرزندپروری والدین را تحت تاثیر قرار دهند. همانگونه که در پژوهش حاضر نشان می‌دهد، هرچه ادراک فرد از پایگاه اقتصادی-اجتماعی خانواده، بالاتر باشد، میزان احساس تنهایی کاهش می‌یابد و بالعکس. بنابراین ادراک از پایگاه اقتصادی-اجتماعی با تاثیر غیرمستقیم خود می‌تواند به کاهش رفتارهای ناسازگارانه اجتماعی و یا افزایش شایستگی‌های فردی و اجتماعی در نوجوانان منجر گردد.

به بیان دیگر خصیصه خودمختاری می‌تواند از خلال تقویت خودمختاری و استقلال درون فردی نوجوان، به افزایش روابط اجتماعی مناسب‌تر و در نهایت کاهش احساس تنهایی منجر گردد.

در میان متغیرهای جمعیت شناختی مورد مطالعه، متغیر ادراک از پایگاه اقتصادی-اجتماعی در تعامل با دو مولفه پیشین از سبک فرزندپروری اقتدارمنش، بیشترین توان پیش‌بینی متغیر ملاک (احساس تنهایی) را داراست. نتایج به دست آمده در پژوهش حاضر، با تحقیقات کیگام-ایمون و مالدر (۸)، کانگر و همکاران (۲)، نیو کمپ و همکاران (۱۳) هماهنگی دارد. برای مثال نیو کمپ و همکاران (۱۳) نشان داده است کودکانی که در خانواده‌های با پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین رشد می‌یابند، در معرض آسیب‌های روان‌شناختی بیشتر قرار دارند و

منابع

1. Diaz Y. Association between parenting and child behavior problems among mothers and children [dissertation]. University of Maryland, 2005.
2. Conger RD, Conger KJ, Elder GH, Lorenz FO, Simons RL, Whitbeck LB. A family process model of economic hardship and adjustment of early adolescent boys. *Child Development* 1992; 6: 526-541.
3. Baumrind D. The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *Journal of Early Adolescence* 1991; 11: 56-95.
4. Rubin KH, Stewart SL, Chen X. Parents of aggressive and withdrawn children. In: Bornstein M, Handbook of parenting). Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates 1994 و 1: 255-284.
5. Steinberg L, Lamborn SD, Darling N, Mounts NS, Dornbusch SM. Over-time changes in adjustment and competence among adolescents from authoritative, authoritarian, indulgent, and neglectful families. *Child Development* 1994; 6: 754-770.
6. Haapasalo J, Tremblay RE. Physically aggressive boys from ages 6 to 12: Family background, parenting behavior, and prediction of delinquency. *Journal of Consulting and Clinical Psychology* 1994; 62: 1044-1052.
7. Robinson CC, Mandleco B, Olsen SF, Hart CH. The parenting style and dimensions Questionnaire (PSQD). *Handbook of family measurement techniques; thousand oaks: sage* 2001. Vol. 3. p: 319-321.
8. Keegam-Eamon M, Muler C. Predicting antisocial behavior among Latino young adolescents: ecological systems analyses. *American Journal of Orthopsychiatry* 2005; 75: 117-127.
9. آقا محمدیان حمید رضا. حسینی مهران. روان‌شناسی بلوغ و نوجوانی. چاپ اول، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۴: ۲۱۸.
10. Elhageen AAM. Effect of Interaction between Parental Treatment Styles and Peer Relations in Classroom on the Feelings of Loneliness among Deaf Children in Egyptian Schools [dissertation]. Eberhard- karls- university, 2004.
11. Franzoi SL, Davis MH. Adolescent self-disclosure and loneliness: private self-consciousness and parental influences. *Journal of Personality and Social Psychology* 1985; 48: 768-780.
12. Lempers J, Clark-Lempers D, Simons RL. Economic hardship, parenting, and distress in adolescence. *Child Development* 1989; 60: 25-39.

13. Newcomb A, Bukowski N, Pattee L. Children's peer relations: A meta-analytic review of popular, rejected, neglected, controversial, and average sociometric status. *Psychological Bulletin* 1993; 113: 99-128.
14. Galambos NL, Barker ET, Almeida DM. Parents do matter: Trajectories of change in externalizing and internalizing problems of early adolescence. *Child Development* 2003; 74: 578-594.
15. دهقانی عبدالله. مقایسه بین شیوه‌های فرزندپروری و خود تنظیمی تحصیلی و تاثیر بر موفقیت تحصیلی. پایان نامه کارشناسی ارشد. شیراز: دانشگاه شیراز، ۱۳۷۹.
16. رضایی محمد. بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری مادران با بلوغ اجتماعی دانش‌آموزان دوره راهنمایی شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تربیت معلم، ۱۳۷۵.
17. سرمد زهره، بازرگان عباس، حجازی الهه. روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. چاپ دوم، تهران: آگه، ۱۳۷۶: ۸۳
18. سرایی حسن. نمونه‌گیری در تحقیق. چاپ اول، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۲: ۱۳۹
19. Schmidt N, sermat V. Measuring loneliness in different relationships. *Journal of personality and social psychology* 1983; 44: 1038-1047.
20. McWhirter BT. Factor analysis of the revised UCLA Loneliness Scale. *Current Psychology: Research and Reviews* 1990; 9(1): 56-68.
21. Steinberg L. We know some things: Parent-adolescent relationships in retrospect and prospect. *Journal of Research on Adolescence* 2001; 11: 1-19.

Abstract

The power of predicting perceived parenting styles and demographic variables on girl student's loneliness feeling.

Laali-Faz A, Askari AA

Introduction: Loneliness feeling is an unpleasant status, negative emotional response and perceived dissatisfaction with one's social relationships. This distressing and unpleasant experience can be lead to cognitive, emotional and behavioral maladjustments in adolescent stage. There is some evidence that parenting styles are related to social competences of children and adolescents. According to this, some pervious researchers focus on parenting styles (authoritative, authoritarian and permissive) for predicting loneliness feeling in young people. On the other hand, based on bronfenbrenner's ecological approach, some research has shown that family contexts (socioeconomic status, family education and child sex) are important for understanding social development and loneliness feeling. Based on interactional model, the present study tries to clarify the power of different dimensions of perceived parenting styles and demographic variables in predicting of loneliness feeling for girl student adolescents.

Methods and Materials: Method of present study was correlational and stepwise multiple regression model. Using multi-stage sampling, the sample volume estimated (n=416), according to Krejcie and Morgan formula. Three questioners, Parenting Styles and Dimensions Questionnaire, Differential loneliness scale and demographics were used for gathering of data.

Results: results based on stepwise multiple regressions revealed that three stage, were the most significant for predicting of dependent variable (loneliness feeling). In the first stage, connection dimension of authoritative parenting style (warms and support) was strongly correlated with criterion variable ($R=0.534$, $R^2=0.385$, $F=0.000$). In the second stage, two components (connection and autonomy) of authoritative parenting style could predict significantly loneliness feeling ($R=0.556$, $R^2=0.39$, $F=0.000$). Finally, in the third stage, three variables (connection, autonomy and socioeconomic status) were the most for prediction of independent variable ($R=0.563$, $R^2=0.317$, $F=0.000$).

Discussions: According to the results, authoritative parenting style, especially connection and autonomy dimensions; and socioeconomic status can decrease loneliness feeling in girl students. These implications should be considered by mental health organizations, parents and clinical consultants.

Key words: Perceived parenting styles, Loneliness feeling, Demographic variables.